

شب یلدا

نگارا! میروم من، زین جهان، آهسته آهسته
زهجران، روز و شب دارم فغان، آهسته آهسته
اگر قسمت بود مُردن، مرا اندرد یا رکُفر
صبا! خاکم رسان، افغانِ نِسْتان، آهسته آهسته
ز جور این زمان شد مدتی دورم ز ملک خویش
خدایا! دور کن جور زمان، آهسته آهسته
دل مهجور من خواهد، همی رفتن سوی میهن
رسانم با رالهی، گلِ نِسْتان، آهسته آهسته
بکابل لوگرو غزنی، هرات وهم بدخشان
روم تا یا بم، آن آرام جان، آهسته آهسته

شِفاى دردهاى خود بگيرم، از مزار شاه
که مى بوسم در آن آستان، آهسته آهسته
خداوندا! نصيبم کن، ز لطفت ديدن ياران
شب مهتاب و كيف آسمان، آهسته آهسته
به کهسار وطن، گر رفتنم قسمت کنى يارب
بچينم بهر جانان، ارغوان، آهسته آهسته
شب يلدا نشسته، بار فيقان درد دل گويم
سرشب تا سحر، با دوستان، آهسته آهسته
بود چشم اميدت حيدرى، برخالق منان
که سازد آخرت، خُلدآ شيان، آهسته آهسته

پوهنوال داکتر اسدالله حيدرى

۱۶ اکتوبر ۲۰۰۵ ، سدنى